

سنجش گرایش دانش آموزان دبیرستانی شهر مشهد به درس عربی و عوامل مؤثر بر آن

غلامرضا صدیق اورعی

چکیده

افت تحصیلی دانش آموزان در درس عربی و بی رغبتی آن‌ها به این درس یکی از مشکلات نظام آموزش و پرورش است. اهمیت این مسأله در آن است که آشنایی با زبان عربی برای برقراری ارتباط با متون دینی و میراث علمی و ادبی ایران لازم است. بررسی ۴۰۰ دانش آموز دبیرستانی در مناطق آموزش و پرورش مشهد که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند، نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر گرایش دانش آموزان به زبان عربی عبارتند از «میزان جدایت درس عربی»، «میزان اطلاع و موافقت دانش آموز با دلایل مفید بودن درس عربی»، «میزان اطلاع و موافقت دانش آموز با دلایل بی‌فایده بودن درس عربی»، «میزان مذهبی بودن سیاسی دانش آموز»، «میزان اطلاع دانش آموز از راه‌های یادگیری دقیق و سریع درس عربی» که با توجه به آن‌ها این پیشنهادات زیر ارائه شده است: ایجاد تغییرات در شیوه تدریس معلمان و تأکید آنان بر فعالیت‌های کلاسی دانش آموزان با استفاده از تشویق‌ها، ایجاد تغییراتی در کتب درسی و اختصاص چند صفحه از کتاب به بیان فواید درس عربی و ردّ مستدل دلایل بی‌فایده بودن آن، همچنین ارائه شیوه‌ها و مثال‌هایی برای انجام فعالیت‌هایی که بتواند به یادگیری دانش آموزان کمک کند.

کلیدواژه‌ها: گرایش، درس عربی، دانش آموزان دبیرستان

مقدمه

درباره اهمیت زبان عربی برای ایرانیان مسلمان، مطالب بسیاری می‌توان گفت که فقط به دو نکته بسنده می‌کنیم. اول اینکه درک فرهنگ، زبان و آثار علمی و ادبی ایرانیان بدون یاد گرفتن زبان عربی به‌طور کامل میسر نیست. دوم اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آموزش فراگیران تا انتهای مقطع متوسطه تأکید شده است. از سوی دیگر در عمل مواجهیم که در تعدادی از شهرستان‌های استان خراسان و ناحیه ۲ مشهد،

مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص ۸۱-۵۷

تاریخ تصویب: ۸۶/۱/۹

تاریخ دریافت: ۸۶/۳/۱

درصد قبولی درس عربی کمتر از ۵۰ درصد است. به نظر می‌رسد ریشه این افت تحصیلی در نگرش دانش آموزان به درس عربی باشد. اگر کاهش گرایش به زبان عربی در کنار افزایش گرایش به زبان انگلیسی مورد توجه قرار گیرد، وجه آسیمی موضوع بیشتر خودنمایی می‌کند. هدف این پژوهش بررسی میزان و جهت گرایش دانش آموزان به درس عربی و عوامل مؤثر بر آن است و سؤالات پژوهش عبارتند از: ۱- جهت و شدت گرایش دانش آموزان نسبت به درس عربی چگونه است؟ (مثبت یا منفی) ۲- عوامل مؤثر بر جهت و شدت گرایش دانش آموزان نسبت به درس عربی چیست؟

مروری بر پیشینه تجربی پژوهش

روشن روان (۱۳۶۸) در پژوهشی با عنوان «میزان افت در درس عربی و آموزش نظامی مدارس راهنمایی ناحیه یک مشهد و بررسی علل آن در سال تحصیلی ۶۸-۱۳۶۷» علل افت درس عربی، که از نظر نگارنده بیانگر عدم گرایش دانش آموزان به درس عربی است را بر شمرده است. گرچه علل مذکور راجع به افت تحصیلی دانش آموزان راهنمایی است اما از آنجا که عدم گرایش نتیجه عوامل مختلف اجتماعی است که در جریان افت تحصیلی کم و بیش ثابت می‌ماند می‌توان آن را به دانش آموزان دبیرستانی نیز تعمیم داد. همچنین اگرچه نتایج مزبور مربوط به ناحیه یک آموزش و پرورش مشهد است اما برای استفاده به عنوان مطالعه‌ای اکتشافی مناسب است. عوامل مؤثر بر افت تحصیلی در درس عربی در این پژوهش چنین بوده‌اند: مشکلات مربوط به معلمان شامل مأمور بودن ۴۱ درصد از معلمان عربی مدارس پسرانه در ناحیه یک، حق التدریس بودن ۲۳ درصد از معلمان زن در ناحیه یک، فوق دیپلم بودن ۷۶ درصد از معلمان مرد و ۸۰ درصد از معلمان زن، ۱۸ درصد معلمان زن و ۱۴ درصد معلمان مرد فاقد مدرک تحصیلی مناسب برای تدریس درس عربی هستند، سابقه خدمت بالا معلمان به خصوص معلمان مرد، تمایل معلمان به انتقال از این ناحیه، ضمن اینکه ۵۳ درصد از معلمان عربی هیچ دوره ضمن خدمتی نگذرانده‌اند، در حالی که کتاب‌های درسی بسیار تغییر کرده‌اند.

در این پژوهش معلمان علل افت تحصیلی در درس عربی را چنین دانسته‌اند: فقر فرهنگی حاکم بر خانواده‌ها در ناحیه یک آموزش و پرورش مشهد، انتخاب ساعات نامناسب برای تدریس درس عربی، عدم برگزاری کلاس‌های جبرانی در تابستان، روش تدریس معلمان عربی، ضعف دانش آموزان در درس‌های ادبیات و قرآن، اختصاص ۲۰ نمره به آزمون شفاهی که باعث دست کم گرفتن آزمون کتبی و در نتیجه افت

تحصیلی می شود، بی ارزش شدن تحصیل در جامعه، کافی نبودن ساعات تدریس درس عربی، عدم تناسب مطالب کتب با فهم دانش آموزان.

همان طور که ملاحظه می شود از میان مطالب گفته شده، برخی نکات، عوامل محتوایی و منطقی متون کتب عربی است که در حیطه برنامه ریزی آموزشی قرار دارد، برخی عوامل به ویژگی های دبیران درس عربی مربوط است که البته درباره بسیاری از دیگر دروس نیز صادق است و برخی عوامل نیز به مشکلات عمومی نظام آموزشی کشور اشاره دارد که البته بر تمام دانش آموزان و دروس صادق است. از پرداختن به این عوامل صرف نظر کردیم و از عوامل باقی مانده در طرح فرضیه ها استفاده شد. در بقیه تحقیقات بررسی شده در این زمینه (تقوایی، ۱۳۸۰ و سالاری، ۱۳۷۸ و غریب، ۱۳۷۵) بیشتر به عواملی که در حیطه برنامه ریزی آموزشی قرار دارد تأکید شده است و به عوامل اجتماعی توجه کمی شده است.

در پژوهشی دیگر (Grinceviciene ۱۹۹۷) که به بررسی عوامل مؤثر گرایش دانش آموزان به دروس پرداخته است عواملی چون رابطه میان سه دسته کنش گران، شامل معلمان، دانش آموزان و والدین، محتوای برنامه درسی و تناسب آن با نیازهای دانش آموزان و نیز آموزش روش هایی که خود می تواند توانایی یادگیری دانش آموزان را بهبود دهد مؤثر بوده اند.

همچنین در پژوهش کوران و روزن (Curran and Rosen ۲۰۰۶) مهم ترین عامل مؤثر بر گرایش دانش آموزان به یک درس معلم بوده است. اما به جز این عامل، عوامل دیگری نیز دارای اهمیت بوده اند. بر اساس این پژوهش موضوع درس عاملی مهم در گرایش دانش آموزان به درس است. همچنین پژوهش آنان نشان داد که دانش آموزان چندان خود را در قبال نتایجی که در یک درس می گیرند مسئول نمی دانند و در واقع نقشی منفعل به خود می گیرند.

تبیین نظری گرایش دانش آموزان به درس عربی

گرایش^(۱)

معادل های فارسی گوناگونی در علوم انسانی برای اصطلاح Attitude به کار برده شده است از جمله ایستار، بازخورد، طرز فکر، نگره، گرایش، نگرش، شیوه برخورد (صفوی، ۱۳۷۵: ۲۸). در این پژوهش از «گرایش» استفاده شده است. روان شناسان اجتماعی برای گرایش تعاریف گوناگونی ارائه داده اند که تفاوت هایی با هم دارند (Strauss, ۱۹۴۵: ۳۲۹) اما همان طور که آلپورت گفته است علی رغم اینکه برای گرایش تعاریف گوناگونی ارائه شده است اما در تمام آن ها می توان فصل مشترکی یافت (Allport, ۱۹۳۵) به نقل از کریمی، ۱۳۸۳: ۷). یکی از مشهور ترین تعریف های گرایش از آن آلپورت است. او می گوید: «گرایش یک حالت آمادگی ذهنی و عصبی است که به وسیله تجربه سازمان دهی می شود و تأثیری مستقیم و پویا بر آمادگی فرد برای پاسخ گویی به تمام پدیده ها و موقعیت های مربوطه می گذارد.» (Allport, ۱۹۳۵: ۸۱۰). تعاریف فراوان دیگری هم برای گرایش ارائه شده است که از بیان آن ها صرف نظر می شود (به عنوان مثال Smith & colleagues: ۱۹۶۱, Bain, ۱۹۲۸: ۹۴۰, Warren, ۱۹۲۲: ۱۹۵۶; colleagues). مک گویر گرایش را به سه عنصر تقسیم کرده است که عبارتند از شناختی، عاطفی و تمایل به عمل (McGuire, ۱۹۸۹: ۴۰). بیشتر روان شناسان اجتماعی و علمای علوم اجتماعی در میان تعریف های ارائه شده برای گرایش بر تعریف سه عنصری گرایش اتفاق نظر دارند (کرچ و کراچفیلد، ۱۳۴۷). با اینکه این تعریف مورد انتقاداتی قرار گرفته است، اما هنوز بسیار مورد قبول است (Malim, ۱۹۹۷: ۱۵۱).

مالیم این سه عنصر گرایش را چنین توضیح داده است:

- ۱- شناختی؛ که در بر گیرنده تصورات از اشیاء و رویدادها و یا گزارشات و عقاید درباره آن هاست. برای مثال این عقیده که زندگی کردن کنار جاده اصلی، پر سرو صدا و خطرناک است.
- ۲- عاطفی؛ شامل احساسات و پاسخ های عاطفی به اشیاء و رویدادهاست. برای مثال اینکه فردی درباره تأثیری که زندگی کنار یک جاده اصلی ممکن است بر خانواده اش بگذارد نگران و بیمناک باشد.

۱. attitude

۳- آماذگی برای رفتار؛ این جزء به نیات مربوط است و پیش بینی می کند که فرد اگر در موقعیتی قرار بگیرد در مقابل شیء یا رویداد خاصی چه رفتاری انجام می دهد. برای مثال فرد می خواهد خانه اش را بفروشد چون نمی خواهد در کنار جاده اصلی زندگی کند. (Malim, ۱۹۹۷: ۱۵۰).

ویژگی های گرایش

ویژگی های زیر را می توان برای گرایش نام برد:

- ۱- گرایش ها رابطه ای کلی بین شخص و یک چیز را توصیف می کنند. هر چیزی که شخص بتواند از لحاظ روانی از خودش جدا بداند می تواند متعلق به گرایش های او باشد.
- ۲- گرایش ها جهت دهنده هایی نسبت به اشخاص، مکان ها و آراء هستند. ما با چیزی «موافق» یا «مخالف» هستیم. شخصی که نسبت به موضوعی «گرایش» دارد، بی طرف نیست.
- ۳- گرایش های اشخاص را می توان با درجات مختلفی از قوت یا شدت توصیف کرد.
- ۴- گرایش ها اکتسابی هستند. کودک با مواضع خود نسبت به محیط طبیعی به دنیا نمی آید. گرایش ها مستلزم تشخیص و تعمیم در مورد اشیاء مشابه متعددی هستند.
- ۵- یک گرایش، طریقه هماهنگی برای تفسیر محیط شخص و پاسخ دادن به آن است.

تبیین گرایش دانش آموزان به درس عربی

همان طور که چمبرز و پتمن (Chambers and Pettman ۱۹۸۶) نشان داده اند احساسات و اطلاعات عوامل اساسی شکل دهنده گرایش ها هستند. بر اساس الگوی هم سازی شناختی و یکی از حالات این الگو یعنی نظریه تعارض شناختی فستینگر (کریمی، ۱۳۸۳: ۹۵-۹۴) اگر شخص گمان داشته باشد که دوستان و همکلاسی ها و افراد مرتبط با او یا گروه مرجع شخص نسبت به امری گرایش مثبت دارند، شخص یاد شده- بیشتر از حالت بر عکس- نسبت به آن امر گرایش مثبت پیدا خواهد کرد.

وجود بازار کار خوب و مناسب برای فارغ التحصیلان رشته عربی هم از باب تأثیر تقویت کننده ها بر گرایش مثبت دانش آموز نسبت به درس عربی مؤثر است و هم از باب الگوی هماهنگی شناختی. دانش آموز

قانع می شود که حال که جامعه به فارغ التحصیلان رشته عربی اهمیت می دهد و کار مناسب در اختیارش می گذارد، پس لابد درس عربی خوب و مهم است.

بر اساس نظریه مشوق ها و تعارض ها^(۱) (کریمی، ۱۳۸۳: ۸۵) می توان نتیجه گرفت که اگر پیام ترس انگیز باشد و راه حل نیز ارائه دهد، گرایش بیشتر تغییر خواهد کرد. می توان استنباط کرد که اگر دانش آموز از آثار سوء یاد گرفتن درس عربی اطلاع بیشتر و موثقی تری داشته باشد گرایش مثبتی نسبت به درس عربی و یادگیری آن پیدا خواهد کرد.

بر اساس تحقیقات شریف و همکاران، افراد برای قضاوت دارای مجموعه مقولاتی شامل استدلال های رد و قبول هستند (کریمی، ۱۳۸۳: ۱۰۶). اندرسون هم تأکید می کند که گرایش ها نسبت به افراد و پدیده ها بر اساس اطلاعاتی که درباره آن ها دریافت شده است و شیوه ترکیب این اطلاعات تشکیل می شوند (Anderson, ۱۹۷۱, ۱۹۸۰ به نقل از ۱۵۲: Malim, ۱۹۹۷). بنابراین می توان با استدلال دو جانبه بر گرایش افراد تأثیر بیشتری گذاشت. اگر دانش آموزان درباره خوب یا بی فایده بودن درس عربی دلایل له و علیه را با هم بدانند و دلایل علیه درس عربی با استدلال کافی رد شده باشند و دلایل به نفع یادگیری درس عربی قوی تر باشد، گرایش دانش آموزان نسبت به درس عربی مثبت تر خواهد بود.

کارل هاولند و همکاران سه عنصر مهم در تأثیر آگاهی بر پیدایش گرایش را چنین خلاصه کرده اند: ۱- توجه مخاطب ۲- ادراک مخاطب ۳- پذیرش مخاطب و توضیح دادند که اگر پیام ارائه شده جالبتر باشد، بیشتر مورد توجه قرار می گیرد و بنابراین پیام های جالب تر، بیشتر بر پیدایش گرایش جدید مؤثر است و نیز اگر پیام ارائه شده روشن بیان شود، درک آن آسان تر است و بنابراین پیام های واضح تر بیشتر بر پیدایش گرایش جدید مؤثر است (کریمی، ۱۳۸۳: ۷۴). از این نکات می توان استنباط کرد که واضح بودن مطالب درس عربی و همچنین جالب بودن و جذاب بودن محتوای آن بر ایجاد گرایش مثبت نسبت به این درس مؤثر است. همچنین ارائه پیام در یک وقت مناسب، موجب توجه بیشتر به آن و در نتیجه ایجاد گرایش مثبت نسبت به آن می گردد. دانستن بیشتر دروس پیش نیاز نیز ادراک دروس (پیام) جدی را تسهیل می کند و از این جهت بر پیدایش گرایش جدید مؤثر است.

۱. Incentive-conflict

به منظور ارایه طرح جامعی برای بررسی عوامل مؤثر بر عدم گرایش دانش آموزان دبیرستانی نسبت به درس عربی با چند تن از دبیران با سابقه و موفق این رشته مصاحبه شد و عوامل عدم گرایش دانش آموزان به درس عربی و افت تحصیلی آنان از این دبیران پرسیده شد. پاسخ‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا دسته بندی شد. فرضیه‌های پژوهش با توجه به تبیین نظری پژوهش، مطالعات اکتشافی و پژوهش پیشین تنظیم شده‌اند.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های دو متغیری پژوهش در بردارنده متغیرهای مستقلی هستند که بر گرایش دانش آموزان به درس عربی مؤثر هستند. این متغیرهای مستقل و جهت اثرگذاری آن‌ها بر گرایش دانش آموزان به درس عربی در جدول ۱ ارایه شده‌اند.

جدول ۱- متغیرهای مؤثر بر گرایش دانش آموزان به درس عربی و جهت اثر آن‌ها

ردیف	متغیر مستقل	جهت تأثیر
۱	تفسیر دانش آموزان از گرایش دوستان همکلاسی خود نسبت به درس عربی	مستقیم
۲	گرایش والدین دانش آموزان به درس عربی	مستقیم
۳	اطلاع دانش آموزان از وجود بازار کار برای فارغ التحصیلان رشته عربی	مستقیم
۴	میزان اطلاع از تأثیرات نامطلوب عدم یادگیری زبان عربی	مستقیم
۵	اطلاع آنان از راه‌های یادگیری دقیق و سریع زبان عربی	مستقیم
۶	میزان اطلاع دانش آموزان از استدلال‌هایی که مبنی بر غیر ضروری و یا غیر مفید بودن یادگیری زبان عربی	مستقیم
۷	میزان اطلاع از دلایل رد استدلال‌های منفی به همراه میزان اطلاع وی از دلایل ضرورت و فایده بخشی یادگیری زبان عربی	مستقیم
۸	میزان جذابیت درس عربی برای دانش آموزان	مستقیم
۹	جالب بودن محتوای کتب عربی	مستقیم
۱۰	به خاطر ماندن محتوای - حداقل برخی درس‌های - کتب عربی	مستقیم
۱۱	نامناسب بودن ساعت تدریس عربی در طی روز	معکوس
۱۲	میزان علاقه‌مندی دانش آموزان به دولت‌مردان و بزرگان سیاسی	مستقیم
۱۳	میزان پای‌بندی دانش آموزان به باورها و ارزش‌های دینی	مستقیم

روش پژوهش

این پژوهش در سطح توصیف^(۱) و تبیین^(۲) انجام شده است. روش پژوهش پیمایش بوده است. جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان سال اول، دوم و سوم مقطع متوسطه شهر مشهد است. حجم نمونه با توافق با کارفرما و مشاور آماری پژوهش ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. در این تحقیق از روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و متناسب با حجم استفاده شده است. متناسب با حجم دختران و پسران دانش آموز در نواحی هفت گانه سهم آنان از نمونه معین گردید و نیز سهم هر کدام در هر ناحیه با توجه به تعداد دانش آموزان متوسطه دختر و پسر در هر ناحیه تعیین شد و سهمیه دختر و پسر هر ناحیه به ۲۰ تقسیم شد و تعداد سهمیه دبیرستان دخترانه و پسرانه از هر ناحیه به دست آمد و بر اساس فهرست دبیرستان‌های هر ناحیه و به طور تصادفی دبیرستان‌هایی تعیین شد و در هر دبیرستان از ۲۰ دانش آموز پرسش گردید. این ۲۰ دانش آموز نیز بر اساس سهمیه سال اول و دوم و سوم تجربی، ریاضی و انسانی در هر مدرسه تعیین گردید.

اعتبار^(۳) و روایی^(۴)

برای تأمین اعتبار ابزار سنجش متغیرها در قدم اول سعی شد تعاریف عملیاتی دقیق و مورد تأیید داوران متخصص فراهم شود و البته قبل از این در ساختن طیف لیکرت گروه محک مورد استفاده قرار گرفته است یعنی کسانی که محقق به طور بالینی مطمئن بوده است که آنان گرایش کاملاً مثبت به درس عربی دارند و نیز کسانی که گرایش کاملاً منفی به درس عربی دارند مورد مصاحبه مکرر قرار گرفته‌اند و گویه‌ها از عبارات و اظهارات آنان استخراج شده است و مجدداً توسط خودشان تست شده است. از جنبه دیگر با اعمال کنترل جنس، رشته تحصیلی و سال تحصیلی پاسخ‌گویان در نمونه گیری اعتبار را تأمین کرده‌ایم تا متغیرهای مداخله‌گر قابل کنترل باشند.

۱. description

۲. explanation

۳. Validity

۴. Reliability

برای سنجش روایی شیوه‌های مختلفی وجود دارد که آلفای کرونباخ یکی از دقیق‌ترین این وسایل است. برای تمامی سازه‌های پژوهش مقدار آلفای کرونباخ بیش از ۰/۹ به دست آمد که میزانی مطلوب است.

یافته‌های پژوهش

توصیف نمونه آماری

مجموع پاسخ‌گویان ۴۰۸ دانش‌آموز مقطع متوسطه در نواحی هفت‌گانه شهر مشهد می‌باشند که ۵۶٪ آن دختر و ۴۴٪ آن پسر بوده‌اند. از ۲۲۹ دختر یاد شده ۱۰٪ در مدارس غیرانتفاعی و ۹۰٪ در مدارس دولتی درس می‌خوانده‌اند.

از پسران پاسخ‌گو نیز ۷۸٪ در مدارس دولتی و ۲۲٪ در مدارس غیرانتفاعی بوده‌اند. ۳۵٪ پاسخ‌گویان کلاس اول بوده‌اند. دانش‌آموزان ریاضی ۱۹٪ (۳۷ نفر دوم و ۴۱ نفر سوم ریاضی)، دانش‌آموزان تجربی ۱۹٪ (۳۰ نفر دوم و ۴۷ نفر سوم ریاضی) و دانش‌آموزان علوم انسانی ۲۷٪ (۶۱ نفر دوم و ۴۹ نفر سوم انسانی) از کل نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. از منظری دیگر ۳۵٪ کلاس اول، ۳۱/۴٪ کلاس دوم و ۳۳/۶٪ کلاس سوم بودند. دانش‌آموزان نواحی هفت‌گانه آموزش و پرورش از لحاظ واقع شدن در محلات مرفه و متوسط و کمتر برخوردار شهر به ترتیب چنین توزیع شده‌اند: ۲۵/۶٪، ۴۸/۸٪ و ۲۵/۶٪.

متغیر وابسته پژوهش: گرایش دانش‌آموزان به درس عربی

۲۰ گویه (۱۰ گویه مثبت و ۱۰ گویه منفی) برای سنجش گرایش به درس عربی به پاسخ‌گویان ارائه شد. پاسخ‌ها طیفی ۵ قسمتی داشت که به آن‌ها رتبه ۱ تا ۵ داده شد. این گویه‌های در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

جدول ۲- گویه های مربوط به متغیر گرایش دانش آموزان به درس عربی

اجزاء گرایش	گویه های مثبت	گویه های منفی
شناختی	درس عربی اطلاعات مفیدی به ما می دهد	درس عربی فایده ای به حال ما ندارد
	درس عربی تا حد زیادی ما را با فهم قرآن آشنا می کند	ترجمه قرآن و دعاها وجود دارد و نیازی نداریم که درس عربی داشته باشیم
عاطفی	عربی درس جذاب و دلنشینی است	عربی درس خسته کننده ای است
	کتاب درس عربی مطالب جذاب و به یادماندنی دارد	مطالب کتاب عربی، مطالب جالبی نیست
	ای کاش می توانستم به زبان عربی صحبت کنم	از شنیدن صدای کسی که عربی صحبت می کند، آکراه دارم
	دوست دارم ساعات درس عربی بیشتر شود	ای کاش درس عربی وجود نداشت
آبادگی برای عمل	من دوست دارم دبیر عربی شوم	فکر می کنم دبیران درس عربی از شغل خود رنج می برند
	دوست دارم دبیر عربی مرا پای تخته ببرد تا تمرین های عربی را حل کنم	اصلاً دوست ندارم برای حل تمرین های عربی پای تخته بروم
	درس عربی، حتی اگر جزو درس های اختیاری باشد باز آنرا انتخاب می کنم.	اگر درس عربی جزو واحدهای اختیاری کند آنرا انتخاب نمی کنم
	اگر موضوع افزایش واحدهای درس عربی به رأی گذاشته شود، من به آن رأی موافق می دهم	من پس از امتحان، کتاب عربی را دور خواهم انداخت

پس از هم جهت کردن کد گذاری گویه ها، نمره هر پاسخ گوا از جمع پاسخ های ۲۰ گانه به دست آمد. میانگین کل نمره گرایش دانش آموزان به درس عربی ۳/۱۶ به دست آمد (از حداقل ۱ و حداکثر ۵) و میانه آن ۳/۲۵ است. بنابراین می توان گرایش کل پاسخ گویان به درس عربی را در مجموع «مثبت» شمرد که شدت آن در حد متوسط است. بیشترین موافقت با گویه «درس عربی ما را تا حد زیادی با فهم قرآن و دعاها آشنا می سازد» بوده است: ۷۹/۶٪ موافقت در قبال ۷/۸٪ مخالفت. پس از این گویه، بیشترین موافقت (۵۷/۸٪) با گویه «ای کاش می توانستم به زبان عربی صحبت کنم» صورت گرفته است در قبال ۲۴/۵٪ مخالفت. با گویه «درس عربی اطلاعات مفیدی به ما می دهد» ۵۲/۵٪ موافقت کرده اند و ۲۲/۵٪ مخالفت. موافقت با سایر گویه های مثبت بین ۴۰ تا ۱۴ درصد بوده است که همگی کمتر از ۵۰٪ است. در میان گویه های مثبت بیشترین مخالفت با

گویه «من دوست دارم دبیر عربی شوم» صورت گرفته است: ۶۸٪ مخالفت در قبال ۱۴/۷٪ موافقت و ۱۷/۳٪ نظر بینابین.

در میان ۱۰ گویه منفی (که مخالفت با آن‌ها حاکی از گرایش مثبت به درس عربی است) بیشترین مخالفت با گویه «ترجمه قرآن و دعاها وجود دارد و نیازی نداریم که درس عربی داشته باشیم» انجام شده است: ۶۱٪ مخالفت در قبال ۲۳٪ موافقت.

از ۱۰ گویه منفی فقط ۳ گویه دارای میزان مخالفت کمتر از ۵۰٪ هستند و با ۷ گویه بیش از ۵۰٪ مخالفت شده است. در واقع می‌توان گفت مخالفت با گویه‌های منفی بیشتر از موافقت با گویه‌های مثبت بوده است و میانگین ۳/۱۶ برای گرایش پاسخ‌گویان نسبت به درس عربی - که پس از هم جهت کردن نمره‌های دو دسته گویه به دست آمده است - بیش از آنکه تحت تأثیر موافقت با گویه‌های مثبت باشد تحت تأثیر مخالفت با گویه‌های منفی است (میانگین ۱۰ گویه مثبت ۳/۰۲۶ و میانگین ۱۰ گویه منفی ۳/۲۸۶ است).

مقایسه گرایش دانش آموزان به درس عربی به تفکیک ابعاد گرایش

در پژوهش حاضر، بعد شناختی گرایش نسبت به درس عربی با ۴ گویه، بعد عاطفی گرایش با ۱۰ گویه و بعد آمادگی برای عمل نیز با ۶ گویه سنجیده شده است. نتایج حاصله که در جدول شماره ۲ منعکس شده است، نشان می‌دهد که بعد شناختی گرایش دانش آموزان نسبت به درس عربی تا حدی مثبت و شدت آن در حد متوسط است (۳/۵۸=میانگین). به گونه‌ای که ۷۹ درصد از دانش آموزان باورها و شناختی که از درس عربی دارند، مثبت و یا بسیار مثبت است.

بعد عاطفی گرایش دانش آموزان نسبت به درس عربی بینابین و شدت آن در حد متوسط است (۳/۰۸=میانگین). به گونه‌ای که ۳۴/۱ درصد از دانش آموزان احساس و عاطفه‌ای که نسبت به این درس ابراز کرده‌اند تا حدی مثبت است.

بعد آمادگی برای عمل نیز بینابین و شدت آن در حد متوسط است (۳/۰۰=میانگین).

بعد شناختی گرایش دارای بالاترین میانگین و بیشترین میزان موافقت‌ها می‌باشد؛ پس از آن بعد عاطفی گرایش دارای بیشترین میانگین می‌باشد و در نهایت بعد آمادگی برای عمل دارای کمترین میانگین و کمترین میزان موافقت‌ها می‌باشد.

جدول ۳- توصیف گرایش به درس عربی به تفکیک ابعاد گرایش

جهت و شدت گرایش	بعد شناختی	بعد عاطفی	بعد آمادگی برای عمل
بسیار منفی	۲/۲	۱۴/۵	۱۰/۵
منفی	۱۰/۸	۲۱/۸	۱۸/۹
تا حدی مثبت	۸/۱	۳۴/۱	۵۱/۲
مثبت	۳۴/۱	۲۹/۴	۱۷/۹
بسیار مثبت	۴۴/۹	۲	۱/۵
میانگین بر اساس ارقام رتبه‌ای	۴/۰۸	۲/۸۰	۲/۸۰
چارک اول	۴	۲	۲
میانه	۴	۳	۳
چارک سوم	۵	۴	۳
میانگین بر اساس ارقام فاصله‌ای	۳/۵۸	۳/۰۸	۳/۰۰
انحراف معیار	۰/۹۴	۰/۸۶	۰/۸۸
اشتباه استاندارد میانگین	۰/۰۴۶	۰/۰۴۲	۰/۰۴۳

در بررسی ضرایب همبستگی میان ابعاد گرایش روشن شد که میان دو بعد عاطفی و آمادگی برای عمل، همبستگی معنی دار ($\text{sig}=0/00$) برابر با $0/828$ وجود دارد. ضریب همبستگی میان ابعاد شناختی و عاطفی برابر $0/768$ و ضریب همبستگی میان ابعاد شناختی و آمادگی برای عمل، برابر $0/676$ است.

توصیف متغیرهای مستقل

تفسیر دانش آموزان از گرایش دوستان همکلاسی خود به درس عربی

گویه‌های طیفی که برای سنجش گرایش دوستان پاسخ‌گو در نظر گرفته شد در واقع همان گویه‌هایی است که گرایش پاسخ‌گو را اندازه‌گیری کرد و تنها تغییراتی در فعل جمله داده شد تا حاکی از نظر سوم

شخص باشد. ۲۰ گویه (۱۰ گویه مثبت و ۱۰ گویه منفی) در این طیف وجود دارد. میانگین گرایش دوستان صمیمی پاسخ گویان نسبت به درس عربی ۲/۸۳ می باشد که نمی توان آن را گرایش مثبت شمرد. این درحالی که پاسخگویان گرایش خود را مثبت تر اعلام کردند.

در تمام ۲۰ گویه گرایش دوست منفی تر از گرایش پاسخ گو ارایه شده است که در میانگین کل ۲۰ گویه هم منعکس است. با اینکه میانگین نمره هر گویه برای دوست کمتر از نمره گرایش پاسخ گویان است، ترتیب بیشترین موافقت با گویه های مثبت و بیشترین مخالفت با گویه های منفی در گرایش دوستان پاسخ گو با همین ترتیب در گرایش پاسخ گویان درست عین یک دیگر است.

**جدول ۴- مقایسه گرایش دانش آموزان به درس عربی بر حسب تفسیر آن ها
از گرایش همکلاسان خود نسبت به این دروس**

جمع	گرایش فرد			تفسیر فرد از گرایش همکلاسان خود	
	مثبت	بینابین	منفی		
۱۳۱	۲۳	۴۵	۶۳	ف. مطلق	منفی
۱۰۰	۱۷/۶	۳۴/۴	۴۸/۱	ف. درصدی	
۱۶۵	۵۸	۹۱	۱۶	ف. مطلق	بینابین
۱۰۰	۳۵/۲	۵۵/۲	۹/۷	ف. درصدی	
۱۱۲	۷۸	۲۴	۱	ف. مطلق	مثبت
۱۰۰	۷۷/۷	۲۱/۴	۰/۹	ف. درصدی	
۴۰۸	۱۶۸	۱۶۰	۸۰	ف. مطلق	کل
۱۰۰	۴۱/۲	۳۹/۲	۱۹/۶	ف. درصدی	

گرایش والدین دانش آموزان نسبت به درس عربی

گرایش والدین پاسخ گو توسط ۷ گویه و به روایت پاسخ گو سنجیده شده است که در جدول ۵ ملاحظه

می شود.

جدول ۵- گویه های سنجش گرایش والدین دانش آموز نسبت به درس عربی

میزان موافقت	میزان مخالفت	میانگین گویه ها	گویه	
۱۴٪	۵۵٪	۲/۵۵	فکر می کنم که اگر وقت کنکور بشود والدینم رشته عربی را در دانشگاه بر رشته انگلیسی ترجیح می دهند	گویه های مثبت
۶۰	۱۵	۴/۵۲	اگر سؤالات و اشکالات درس عربی را از والدینم پرسیم، سعی می کنند کمک کنند و اگر خودشان ندانند، از کسی که می داند، کمک می خواهد	
۵۷	۱۰	۴/۵	چون بین عربی و دین رابطه هست، حداقل یکی از والدینم فکر می کنند که عربی هم قداسی دارد.	
۸۰	۶	۵/۲	حداقل یکی از والدینم دوست دارد من معنی دعاها و آیه های قرآن را بفهمم	
۳۳۳	۴۰	۳/۴۵	اینکه که من عربی بلد باشم یا نباشم برای والدینم فرقی نمی کند و فقط نمره و قبولی برایشان مهم است	گویه های منفی
۱۰	۷۰	۲/۲۳	والدینم وقتی ببینند درس عربی را می خوانم می گویند اول درس های مهم تر را بخوان و بعد عربی	
۲۶	۴۰	۳/۲	اگر بخواهیم مهمانی برویم روز بعدش درس عربی داشته باشیم، مرا به مهمانی می برند.	

میانگین گرایش والدین دانش آموز نسبت به درس عربی ۴/۱۳ در دامنه تغییرات ۱ تا ۶ می باشد که تقریباً به نقطه تا حدی مثبت متمایل است. اگر میانگین گرایش پاسخ گویان والدین آن ها را به مقیاس ۱ تا ۱۰۰ تبدیل کنیم به ترتیب ۶۳ و ۶۸ به دست می آید. لذا گرایش والدین دانش آموزان اندکی از گرایش خودشان مثبت تر بوده است.

اطلاع دانش آموزان از وجود بازار کار برای فارغ التحصیلان رشته عربی

اطلاع دانش آموزان از بازار کار دارای توزیعی به شرح ذیل است: هیچ ۲۱/۵٪، ضعیف ۳۳٪، متوسط ۳۵/۵٪ و زیاد ۱۰٪.

اطلاع دانش آموزان از تأثیرات نامطلوب عدم یادگیری زبان عربی

متغیر مستقل در این فرضیه میزان اطلاع دانش آموزان از مشکلات ناشی از عدم یادگیری زبان عربی می باشد که توزیع آن به قرار زیر است: هیچ اطلاعی از مشکلات نداشته ۳۳/۳٪، اطلاع کم ۵۸/۱٪، اطلاع متوسط ۸/۶٪.

اطلاع دانش آموزان از راه‌های یادگیری دقیق و سریع زبان عربی

توزیع این متغیر چنین است: هیچ اطلاعی از راه‌های یادگیری نداشته ۲۰٪، اطلاع کم ۱۰/۷٪، اطلاع متوسط ۴۴/۶٪ و اطلاع زیاد ۲۴/۷٪.

اطلاع دانش آموزان از استدلال‌هایی که مبنی بر غیر ضروری و یا غیر مفید بودن یادگیری زبان عربی

از دانش آموز خواسته‌ایم تا دلایل بی فایده بودن درس عربی را ذکر کند و نیز میزان موافقت خود را با آن دلایل بیان کنند. از مجموع پاسخ این دو سؤال شاخصی ساخته‌ایم که بیانگر متغیر مورد نظر باشد. این متغیر عبارت است از میزان اطلاع و موافقت دانش آموز با دلایل بی فایده بودن زبان عربی که توزیع آن به شرح ذیل است: میزان اطلاع و موافقت کم ۲۳/۹٪، متوسط ۵۸/۸٪ و زیاد ۱۱/۳٪.

اطلاع از دلایل رد استدلال‌های منفی به همراه میزان اطلاع وی از دلایل ضرورت و فایده بخشی یادگیری زبان عربی

از دانش آموز خواسته‌ایم تا دلایل رد بی فایده بودن درس عربی را ذکر کند و نیز میزان موافقت خود را با آن دلایل بیان کنند. نیز مجدداً از وی خواسته‌ایم تا دلایل مفید بودن درس عربی را ذکر کرده و نیز میزان موافقت خود را با آن دلایل بیان کند. از مجموع پاسخ‌های این چهار سؤال شاخصی ساخته‌ایم که بیانگر میزان اطلاع و موافقت دانش آموز با دلایل مفید بودن و دلایل ابطال غیر مفید بودن درس عربی می باشد که توزیع آن به شرح ذیل است: میزان اطلاع و موافقت کم ۱۳/۳٪، متوسط ۵۲/۷٪ و زیاد ۳۴٪.

جذابیت درس عربی برای دانش آموزان

این متغیر بوسیله دو سؤال در پرسشنامه که یکی بیانگر میزان مشارکت داوطلبانه دانش آموز در کلاس درس عربی و دیگری میزان مطالعه پیشاپیش این درس می باشد، سنجیده شده است و توزیع آن به قرار زیر است: میزان جذابیت کم ۵۳/۳٪، متوسط ۴۳/۷٪ و زیاد ۳٪.

جالب بودن محتوای کتب عربی

این متغیر با یک سؤال سنجیده شده است و پاسخ آن روی یک طیف ۱۱ قسمتی قرار داشته است. توزیع طبقه بندی شده آن به قرار زیر است: میزان جالب بودن کم ۳۴٪، متوسط ۴۰٪ و زیاد ۲۶٪.

به خاطر ماندن محتوای - حداقل برخی درس های - کتب عربی

این متغیر به وسیله سؤالاتی از محتوای کتاب های درسی دانش آموزان به طور تستی پرسیده شده بود و بر اساس میزان پاسخ های درست، شاخص میزان به خاطر ماندن محتوای کتب عربی ساخته شده است و توزیع آن به قرار زیر است: میزان به خاطر ماندن کم ۷۲/۴٪، متوسط ۲۲/۷٪ و زیاد ۴/۹٪.

نامناسب بودن ساعت تدریس عربی در طی روز

منظور از این متغیر میزان مناسب بودن ساعات تشکیل کلاس های درس عربی است و توزیع آن به قرار زیر است: ۲۵/۴٪ از پاسخ گویان کلاس شان در وقت کاملاً نامناسب تشکیل می شده است، ۳۹/۶٪ در ساعات معمولی و ۳۵٪ در ساعات کاملاً مناسب.

علاقه مندی دانش آموزان به دولت مردان و بزرگان سیاسی

این متغیر به وسیله دو سؤال سنجیده شده است که یکی بیانگر میزان پذیرفتن عقاید و استدلال های بزرگان سیاسی و دیگری بیانگر میزان مفید ارزیابی کردن عملکرد آنها می باشد و روی یک طیف ۱۱ قسمتی سنجیده شده است. توزیع طبقه بندی شده این متغیر به قرار زیر است: میزان علاقه مندی کم به دولت مردان سیاسی ۳۸/۲٪، میزان علاقه مندی متوسط ۵۰/۶٪ و میزان علاقه مندی زیاد ۱۱/۲٪.

پای‌بندی دانش آموزان به باورها و ارزش‌های دینی

این به‌وسیله دو سؤال سنجیده شده است که یکی پرسش از میزان قضا شدن نمازظهر در طول یک ماه و دیگری میزان تشرّف به حرم امام هشتم در طول دو ماه بوده است. توزیع پاسخ‌ها به قرار زیر است: میزان پای‌بندی کم به ارزش‌های دینی ۱۲/۶٪، میزان پای‌بندی متوسط ۵۳٪ و میزان پای‌بندی زیاد ۳۴/۴٪.

بررسی فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه‌های دو متغیری پژوهش در جدول ۶ ارایه شده است. در این جدول رابطه متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر وابسته که گرایش به درس عربی است بررسی شده است.

جدول ۶- نتایج آزمون فرضیه‌های دو متغیری پژوهش

ردیف	متغیر مستقل	آزمون
۱	تفسیر دانش آموزان از گرایش دوستان هم‌کلاسی خود نسبت به درس عربی	(sig=۰/۰۰۰)، R=۰/۶۸۱
۲	گرایش والدین دانش آموزان به درس عربی	(sig=۰/۰۰۰)، R=۰/۵۳۶
۳	اطلاع دانش آموزان از وجود بازار کار برای فارغ‌التحصیلان رشته عربی	(sig=۰/۰۱) rS=۰/۱۲۷
۴	میزان اطلاع از تأثیرات نامطلوب عدم یادگیری زبان عربی	(sig=۰/۰۰) rS=۰/۳
۵	اطلاع آنان از راه‌های یادگیری دقیق و سریع زبان عربی	(sig=۰/۰۰)، rS=۰/۳۴
۶	میزان اطلاع دانش آموزان از استدلال‌هایی که مبنی بر غیرضروری و یا غیر مفید بودن یادگیری زبان عربی	(sig=۰/۰۰) rS=۰/۴۲
۷	میزان اطلاع از دلایل ردّ استدلال‌های منفی به همراه میزان اطلاع وی از دلایل ضرورت و فایده بخشی یادگیری زبان عربی	(sig=۰/۰۰) rS=۰/۴۲
۸	میزان جذابیت درس عربی برای دانش آموزان	(sig=۰/۰۰) rS=۰/۴۵
۹	جالب بودن محتوای کتب عربی	(sig=۰/۰۰) rS=۰/۶۵
۱۰	به خاطر ماندن محتوای - حداقل برخی درس‌های - کتب عربی	(sig=۰/۰۴۳) rS=۰/۱۰
۱۱	نامناسب بودن ساعت تدریس عربی در طی روز	(sig=۰/۲۶۴) rS=۰/۰۵
۱۲	میزان علاقه‌مندی دانش آموزان به دولت‌مردان و بزرگان سیاسی	(sig=۰/۰۰۰) rS=۰/۳۶
۱۳	میزان پای‌بندی دانش آموزان به باورها و ارزش‌های دینی	(sig= ۰/۰۰۰) rS=۰/۲۸

تحلیل چند متغیری

الف- مرحله اول تحلیل چند متغیری

در این بخش با استناد به تحلیل رگرسیون به تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل می‌پردازیم. در این بررسی از روش قدم به قدم^(۱) استفاده گردید. با استناد به نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیری از مجموع چهارده متغیری که حایز شرط ورود به معادله بودند، شش متغیر، مجموعاً ۰/۶۷ از تغییرات گرایش دانش‌آموزان به درس عربی را تبیین می‌نماید که «گرایش دوست» بیشترین تأثیر (۰/۳۵) را در تبیین داشته است. از بین مؤلفه‌های دیگر به ترتیب «جالب بودن» محتوای کتاب‌های درس عربی (۰/۳۰)، «گرایش والدین به درس عربی» (۰/۱۵)، «میزان اطلاع دانش‌آموز از ترکیبی از دلایل مفید بودن و دلایل ابطال غیر مفید بودن درس عربی» (۰/۱۳)، «میزان جذابیت درس عربی» (۰/۱۲) و «میزان اطلاع دانش‌آموز از دلایل بی‌فایده بودن درس عربی» (۰/۱۱-)، بیشترین تأثیر را در تبیین گرایش دانش‌آموز داشته‌اند.

حذف متغیرهای میزان پای‌بندی دانش‌آموز به باورها و ارزش‌های دینی، میزان علاقه‌دانش‌آموز به دولت‌مردان سیاسی، ارزیابی دانش‌آموز از بازار کار رشته عربی، میزان به‌خاطرماندن محتوای کتب عربی، وضعیت ساعات تدریس درس عربی، تفسیر دانش‌آموز از میزان مذهبی بودن خویش، میزان اطلاع از تأثیر نامطلوب عدم یادگیری زبان عربی و میزان اطلاع از بهترین روش‌های یادگیری زبان عربی از معادله رگرسیون به روش قدم به قدم و دقت درضرایب همبستگی تفکیکی^(۲) نشان می‌دهد متغیرهای مذکور در مجموعه حاضر، تأثیر خالص قابل توجهی در افزایش پیش‌بینی‌پذیری تغییرات گرایش دانش‌آموزان به درس عربی ندارند. در واقع متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیونی توانایی پیش‌بینی ۰/۶۷ از تغییرات متغیر گرایش دانش‌آموزان به درس عربی را داشته و ۰/۳۳ از تغییرات وابسته به متغیرهای دیگر می‌باشد. می‌توان معادله رگرسیونی انجام شده را به شرح زیر نوشت:

۱. Stepwise

۲. partial

$$Y = 0.076 + 0.35 \text{ (تفسیر دانش آموز از گرایش دوست خود نسبت به درس عربی)}$$

$$+ 0.30 \text{ (جالب بودن محتوای کتاب‌های عربی)}$$

$$+ 0.15 \text{ (تفسیر دانش آموز از گرایش والدین خود نسبت به درس عربی)}$$

$$+ 0.13 \text{ (میزان اطلاع و موافقت دانش آموز با دلایل غیر مفید بودن درس عربی)}$$

$$+ 0.12 \text{ (میزان جذابیت درس عربی)}$$

$$- 0.11 \text{ (میزان اطلاع و موافقت دانش آموز با دلایل غیر مفید بودن درس عربی)}$$

در این جا ذکر نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱- در مرحله اول رگرسیون به روش گام به گام، ابتدا متغیری که بیشترین همبستگی با متغیر وابسته را دارد انتخاب می‌شود که این متغیر، متغیر تفسیر دانش آموز از گرایش دوست خود نسبت به درس عربی می‌باشد که می‌توان معادله گام اول را به این صورت نوشت:

$$Y = 1/67 + 0/66 \text{ (تفسیر دانش آموز از گرایش دوست خود نسبت به درس عربی)}$$

این معادله نشان می‌دهد که متغیر گرایش دانش آموز از متغیر تفسیر وی از گرایش دوستش همیشه مقداری (حدود ۱/۶۷) بیشتر است به عبارت دیگر افراد دارای گرایش مثبت تری نسبت به دوست خود می‌باشند.

۲- متغیر دومی که بیشترین همبستگی را در معادله با متغیر وابسته (گرایش دانش آموز نسبت به درس عربی) دارد، جالب بودن محتوای کتب درس عربی می‌باشد و پس از بررسی اولیه به این نتیجه رسیدیم که می‌توان متغیر جالب بودن را از لحاظ منطقی بیان گرایش شخص در یک جمله کوتاه فرض کرد و یا اگر هم این گونه نباشد این دو متغیر دارای هم پوششی می‌باشند لذا همبستگی بین این دو غلط می‌باشد، لذا در مرحله دوم این متغیر را کلاً از معادله حذف می‌کنیم و با توجه به تغییرات انجام شده مجدداً معادله رگرسیون را اجرا می‌کنیم.

ب- مرحله دوم تحلیل چند متغیری

در این بررسی نیز از روش قدم به قدم استفاده گردید. در شش مرحله مجموعاً شش متغیر که پس از تفکیک متغیرهای پیشین، بیشترین افزایش را در میزان ضریب تعیین داشته‌اند در معادله وارد شده‌اند و در مرحله ششم، ۷ متغیر که حضور معنی داری در معادله نداشته‌اند، از معادله حذف شده‌اند.

با استناد به نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیری از مجموع سیزده متغیر که حایز شرط ورود به معادله بودند، ۶ متغیر، مجموعاً ۰/۶۲ از تغییرات گرایش دانش آموز نسبت به درس عربی را تبیین می نمایند که متغیر تفسیر دانش آموز از گرایش دوست خود، بیشترین تأثیر (۰/۴۰) را در تبیین داشته است. از بین مؤلفه های دیگر نیز به ترتیب میزان اطلاع و موافقت دانش آموز با دلایل مفید بودن درس عربی (۰/۱۹)، میزان جذابیت درس عربی (۰/۱۹)، تفسیر دانش آموز از گرایش والدین خود نسبت به درس عربی (۰/۱۸)، میزان اطلاع و موافقت دانش آموز با دلایل بی فایده بودن درس عربی (۰/۱۱-) و میزان علاقه دانش آموز به دولت مردان سیاسی (۰/۹) بیشترین تأثیر را در تبیین گرایش دانش آموزان به درس عربی داشته اند و حذف متغیرهای میزان پای بندی دانش آموز به باورها و ارزش های دینی، ارزیابی دانش آموز از وضعیت بازار کار رشته عربی، میزان به خاطر ماندن محتوای کتب عربی، وضعیت ساعات تدریس عربی، تفسیر دانش آموز از میزان مذهبی بودن خویش، میزان اطلاع از تأثیر نامطلوب عدم یادگیری زبان عربی و میزان اطلاع از راه های یادگیری دقیق و سریع عربی، از معادله رگرسیون به روش قدم به قدم و دقت در ضرایب همبستگی تفکیکی نشان می دهد متغیرهای مذکور در مجموعه حاضر تأثیر خالص قابل توجهی در افزایش پیش بینی پذیری تغییرات گرایش دانش آموزان به درس عربی ندارند.

به طور خلاصه متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون توانایی پیش بینی ۰/۶۲ از تغییرات متغیر گرایش دانش آموزان به درس عربی را داشته و ۰/۳۸ از تغییرات وابسته به متغیرهای دیگر می باشد. می توان معادله رگرسیون انجام شده را به شرح زیر نوشت:

$$Y = 0.52 + 0.40(\text{تفسیر دانش آموز از گرایش دوست خود نسبت به درس عربی}) + 0.19(\text{میزان جذابیت درس عربی}) + 0.18(\text{تفسیر دانش آموز از گرایش والدین خود نسبت به درس عربی}) - 0.11(\text{میزان اطلاع و موافقت دانش آموز از دلایل بی فایده بودن درس عربی}) + 0.09(\text{میزان علاقه دانش آموز به شخصیت های سیاسی})$$

در اینجا ذکر نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱- همان طوری که قبلاً گفته شد از آنجا که دولت‌مردان و بزرگان سیاسی غالباً از مبلغین دینی و از مروجین فراگیری آموزش‌های دینی هستند و نیز با دقت در ضرایب همبستگی تفکیکی دو متغیر «میزان علاقه دانش آموز به شخصیت‌های سیاسی» و «میزان پای‌بندی دانش آموز به باورها و ارزش‌های دینی» به نظر رسید که ادغام این دو متغیر تحت عنوان متغیر «میزان مذهبی بودن سیاسی دانش آموز» ممکن است تغییری در نتایج آزمون رگرسیون به وجود آورد.

۲- با توجه به نتایج آزمون رگرسیون و نیز همبستگی‌های متغیرهای گرایش فرد، تفسیر دانش آموز از گرایش دوست خود و تفسیر دانش آموز از گرایش والدین خود شاید بتوان گفت که تفسیر دانش آموز از گرایش دوست و والدین خود ممکن است اندکی دور از واقعیت باشد و یا تحت تأثیر گرایش خود دانش آموز به درس عربی بیان شده باشد.

۳- در صورت اطمینان کامل به یافته‌های درباره گرایش دانش آموز و تفسیر دانش آموز از مواضع دوست و والدین خود نسبت به درس عربی، باید گفت که همه آن‌ها در قالب یک نوع عنصر فرهنگی قرار می‌گیرند که می‌توان آن را تحت عنوان گرایش به درس عربی نامید و البته می‌توان ارتباط این عنصر از لایه گرایش را با سایر عناصر این لایه مثل گرایش به دین، گرایش به تحصیل، گرایش به مشاغل روشنفکری و... مورد بررسی و آزمون قرار داد. اما نکته مهم‌تر این است که بینیم لایه‌های دیگر واقعیت اجتماعی چه تأثیری بر گرایش دارند.

پ- مرحله سوم تحلیل چند متغیری

با توجه به نکات یاد شده یک‌بار آزمون رگرسیون را بدون در نظر گرفتن گرایش‌ها به درس عربی سنجیده‌ایم.

با استناد به نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیری از مجموع ده متغیر که حایز شرط ورود به معادله بودند، ۵ متغیر، مجموعاً ۰/۴۸ از تغییرات گرایش دانش آموز نسبت به درس عربی را تبیین می‌نماید که متغیر میزان جذابیت درس عربی بیشترین تأثیر (۰/۳۰۸) را در تبیین داشته است. از بین مؤلفه‌های دیگر نیز به ترتیب میزان اطلاع و موافقت دانش آموز با دلایل مفید بودن درس عربی (۰/۲۹۹)، میزان اطلاع و موافقت دانش آموز با دلایل بی‌فایده بودن درس عربی (۰/۲۲۰-) و میزان مذهبی بودن سیاسی دانش آموز (۰/۲۰۸) میزان اطلاع

دانش آموز از راه‌های یادگیری دقیق و سریع درس عربی (۰/۱۵۸) بیشترین تأثیر را در تبیین گرایش دانش آموزان به درس عربی داشته‌اند و متغیرهای وضعیت ساعات تدریس عربی (۰/۰۳)، میزان به خاطر ماندن محتوای کتب عربی (۰/۰۱۵)، تفسیر دانش آموز از میزان مذهبی بودن خویش (۰/۰۴۹)، ارزیابی دانش آموز از وضعیت بازار کار رشته عربی (۰/۰۱۱) و میزان اطلاع از تأثیر نامطلوب عدم یادگیری زبان عربی (۰/۰۸۱)، از معادله حذف شدند. دقت در معادله رگرسیون و ضرایب همبستگی تفکیکی نشان می‌دهد متغیرهای مذکور در مجموعه حاضر تأثیر خالص قابل توجهی در افزایش پیش‌بینی‌پذیری تغییرات گرایش دانش آموزان به درس عربی ندارند.

در واقع متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون توانایی پیش‌بینی ۰/۴۸ از تغییرات متغیر گرایش دانش آموزان به درس عربی را داشته و ۰/۵۲ از تغییرات وابسته به متغیرهای دیگر می‌باشد. می‌توان معادله رگرسیون انجام شده را به شرح زیر نوشت:

$$Y = 1/768 + 0/308(\text{میزان جذابیت درس عربی}) + 0/299(\text{میزان اطلاع و موافقت دانش آموز با دلایل مفید بودن درس عربی}) - 0/220(\text{میزان اطلاع و موافقت دانش آموز با دلایل بی‌فایده بودن درس عربی}) + 0/208(\text{میزان مذهبی بودن سیاسی دانش آموز}) + 0/158(\text{میزان اطلاع دانش آموز از راه‌های یادگیری دقیق و سریع درس عربی})$$

مروری بر نتایج و آرایه پیشنهادها

بر اساس نتایج حاصل از پژوهش حاضر متغیرهایی که بر گرایش دانش آموزان نسبت به درس عربی تأثیر می‌گذارند، برخی درون سازمانی و برخی برون سازمانی هستند به عبارت دیگر برخی از این متغیرها مربوط به نهاد مدرسه و کادر آموزشی هستند، به طوری که این نهاد توانایی دخل و تصرف در آن را دارد و سایر متغیرها مربوط به افراد و جامعه هستند. در میان متغیرهای درون سازمانی «میزان جذابیت درس عربی» و به عبارت دیگر میزان فعالیت دانش آموز در کلاس و در منزل بیشترین تأثیر را داشته است. بنابراین اگر دبیران محترم درس عربی بتوانند ترتیبی اتخاذ کنند که دانش آموزان در کلاس فعال باشند و نیز آمادگی قبل از کلاس دانش آموزان

نسبت به درس جدید را در ابتدای هر جلسه ارزیابی کنند و پاداشی به آن اختصاص دهند و از اموری مانند این‌ها سود جویند می‌توان امید داشت که گرایش دانش آموزان نسبت به درس عربی مثبت‌تر شود که قطعاً این تغییر بر رفتار و یادگیری و نمره درسی دانش آموزان اثر خواهد گذاشت. غیر از این متغیر، دیگر متغیرهای درون سازمانی مؤثر عبارتند از میزان اطلاع از «راه‌های یادگیری» و «دلایل مفید بودن» و «رد دلایل غیر مفید بودن درس عربی» که برای افزایش میزان این متغیرها در دانش آموزان پیشنهاد می‌شود:

در ابتدای کتاب‌های درسی چند صفحه درباره دلایل بی فایده بودن یا لازم نبودن درس عربی برای دانش آموزان بحث شود و سپس با دلایل کاملاً مستدل و روشن دلایل یاد شده رد شود و سپس دلایل مفید بودن و لازم بودن درس عربی برای دانش آموزان همراه با ذکر مصادیقی از این دلایل مطرح گردد، شیوه‌ای که در روان‌شناسی اجتماعی در مبحث تغییر گرایش به آن «ارایه استدلال دوجانبه» گویند که از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تغییر گرایش‌ها است و نیز پیشنهاد می‌شود بعد از مقدمه اول، در ضمن چند صفحه بحثی دقیق و کاملاً کارشناسانه و با توجه به شرایط دانش آموزان ما درباره راه‌های یادگیری دقیق و سریع عربی‌ارایه شود و نمونه‌ها و فعالیت‌های قابل انجام دادن توسط دانش آموزان در خانه و کلاس و حیاط مدرسه و مانند آن‌ها طراحی و ارایه گردد. در این راه می‌توانند با دقت در گویه‌هایی که بیشترین موافقت را داشتند، که جنبه شناختی داشت، مطالب خود را تنظیم کنند. بدین وسیله مؤلفین کتاب‌های عربی و معلمین مربوط می‌توانند چهار متغیر درون سازمانی و تعیین‌کننده را تحت تأثیر قرار دهند و بدین وسیله گرایش دانش آموزان به درس عربی را مثبت‌تر سازند و تنها یک متغیر مؤثر برون‌سازمانی می‌ماند که مدرسه نمی‌تواند تأثیر زیادی بر آن بگذارد.

فهرست منابع

- تقوایی، حبیب (بی تا)، نقد و بررسی ارزش‌یابی پایانی درس عربی دوره متوسطه، مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی، دفتر تألیف کتب درسی، گروه عربی.
- روشن روان، وصال (۱۳۶۸): میزان افت درس عربی و آموزش دفاعی در مدارس راهنمایی ناحیه یک مشهد و بررسی آن در سال تحصیلی ۶۸-۱۳۶۷، اداره آموزش و پرورش استان خراسان.
- سالاری، علی (۱۳۷۵): بررسی نگرش دانش آموزان سال اول نظام جدید آموزش متوسطه و والدین آن‌ها نسبت به شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش دبیرستان‌های استان یزد، اداره آموزش و پرورش استان یزد.
- غریب، محمد حسن (۱۳۷۵): بررسی نگرش دانش آموزان نظام جدید آموزش متوسطه نسبت به شاخه کار و دانش در دبیرستان‌های شهرستان اراک در سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴، اداره آموزش و پرورش استان مرکزی.
- کرچ، دیوید و ریچارد کراچفیلد (۱۳۴۷): فرد در اجتماع، ترجمه محمود صناعی، انتشارات زوار.
- صفوی، امان الله (۱۳۷۵): واژگان علوم انسانی، تهران، نشر کلمه.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۳): نگرش و تغییر نگرش، تهران، نشر ویرایش.

- Ajzen, I. (۱۹۸۹): *Attitude Structure and behaviour*. Milton Keynes: Open University Press.
- Allport, G. (۱۹۳۵): *Attitudes*. In C. M. Murchison (ed) *Handbook of Social*.
- Anderson N. H. (۱۹۷۱): *Integration Theory and Attitude Change*. *Psychological Review*, ۷۸, ۱۷۱-۲۰۶.
- Anderson N. H. (۱۹۸۰): *Integration Theory Applied to Cognitive Responses and Attitudes*. In R.E. Petty, T. M. Ostrom and T. C. Brock (eds), *Cognitive Research in Persuasion*. New York: Erlbaum. Psychology. Clark University Press.
- Bain, R. (۱۹۲۸); An Attitude on Attitude Research. *American Journal Psychology*, ۳۳: ۹۴-۹۵۷.
- Chamber, B. & Pettma, J. (۱۹۸۶): *Anti-racism: A handbook for Adult Educators*. Canberra: Australian Government Publishing Service.
- Curran, J. M. and Rosen, D. E. (۲۰۰۶): Student attitudes toward college courses: An examination of influences and intentions. *Journal of Marketing Education*, ۲۸ (۲), ۱۳۵-۱۴۸.

- Grinceviciene, Vilija (۱۹۹۷): Students' Attitude Toward Education and The Future Since the Restoration of Lithuania's Independence (۱۹۹۰-۱۹۹۵). Lithuanian Quarterly Journal of Arts and Sciences Volume ۴۳, No. ۴ - Winter ۱۹۹۷.
- Kretch, D., Crutchfield, R.S., and Ballacheg, E.L. (۱۹۶۱). Individual in Society. McGraw Hill.
- Smith, M. B., Bruner, J. S., and White, R. W. (۱۹۵۶): Opinion and Personality. Willey.
- Warren, H. C. (۱۹۲۲): Elements of Human Psychology. Houghton Mifflin.
- McGuire W. J. (۱۹۸۹): The Structure of Individual Attitudes and Attitude Systems. In A. R. Pratkanis, S. J. Brerckler and A. G. Greenwald (eds). Attitude Structure And Function. Hillsdale, Nj: Erlbaum.
- Malim, T. (۱۹۹۷): Social Psychology. McMillan Press LTD.
- Strauss, A. (۱۹۴۵): The Concept of Attitude in Social Psychology. Journal of Psychology. ۱۹: ۳۲۹-۳۳۹.

مشخصات نویسنده

آقای غلامرضا صدیق اورعی عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (مربی) است. علایق پژوهشی وی مسایل اجتماعی و فرهنگی جوانان است.

آدرس: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.